

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاسکو/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

اخلاق اجتماعی و خلییات ایرانی

حادثه پلاسکو و مظنونان همیشگی: «مردم»

مهدی روزخوش

دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران

فاجعه پلاسکو که در مقابل دیدگان مردم و دوربین‌های تلویزیونی رخ داد، به سرعت به «مسئله‌ای ملی» بدل شد. از جمله بحث‌های مناقشه برانگیز، سهم و مسئولیت «مردم» در بروز این حادثه بود. نویسندگانی در داخل و خارج بلافاصله نقد مردم را آغاز کردند و کسان دیگری به آنان پاسخ گفتند و نقدهای گروه نخست را اغراق‌آمیز و غیرمنصفانه به‌شمار آوردند. این نوشته می‌کوشد بر این مجادلات پرتو افکننده و حداقل در تحریر محل نزاع، روشن‌گری کند.

برخلاف آنچه در برخی نوشته‌ها تکرار می‌شود، پلاسکو پیش از فروریختن، بیش از آن که نمادی ویژه و حامل معناهای تاریخی باشد، صرفاً ساختمانی مشهور بود. آنچه ناگهان تاریخ فراموش شده پلاسکو را زنده کرد و این بنا را به نمادی از گذشته پر تناقض و نشانه‌ای از

اکنون نابسامان بدل ساخت، همان لحظه فروپاشی و سپس برانگیختن توجه عمومی و انبوه معناها و تفسیرهای بارشده بر این حادثه بود. بدین ترتیب، همچون حوادث مشابه، تعیین علل و دلایل و مسببان و مقصران این حادثه، وجهی بس مهم و حیاتی یافت. سیاهه متهمان طولانی است: دولت (به معنای اعم آن، که قوای مختلف را شامل می‌شود)، «تجدد ایرانی»، «سرمایه‌داری ایرانی»، «فرهنگ ایرانی» و البته «مردم».

ظاهراً دلایل کافی برای نقد «مردم» - اعم از آن که مصداق واژه «مردم»، کسبه پلاسکو باشند یا شاهدان خیابانی - وجود دارد. کسبه پلاسکو به هشدارهای پیشین توجهی نکرده و حتی امکانات اطفای حریق را تدارک ندیده بودند. مردم حاضر در خیابان نیز به آمبولانس‌ها راه نمی‌دادند، محل حادثه را به میدان نمایش خویش بدل ساخته بودند و با فاجعه، سلفی می‌گرفتند. ریشه این رفتارهای مردم، گاه تا گذشته‌های دور جامعه و فرهنگ ایران ردیابی و در لابه‌لای کتاب تاریخ، جستجو و گاه به عوامل نزدیک‌تر نسبت داده می‌شود. مثلاً گفته می‌شود که فقدان شادی‌های دسته‌جمعی و مناسکی و محدود بودن تجربه نمایش خود یا خودبیان‌گری، «مردم» را به گیجی و سردرگمی در چنین موقعیت‌هایی مبتلا می‌کند. این نوشته در پی تقدیس مردم یا حتی تبرئه آنان نیست. بلکه تنها می‌کوشد با ذکر تأملاتی چند درباره مفهوم «مردم»، نسبت به استفاده گزافی و نامنقح از آن در پاره‌ای مباحث جاری در حوزه عمومی تذکار دهد. هدف این نوشته، نشان دادن این دقیقه است که چطور ابهام این مفهوم - در هر دو سوی منتقدان و مدافعان - به کاربرد دل‌بخوایی و غیرتحلیلی آن از جمله در نمونه پلاسکو منجر شده است. می‌توان انتظار داشت در حوادث یا رخداد‌های مناقشه‌انگیز بعدی، از انتخابات گرفته تا رفتار تماشاگران فوتبال، دوباره بازار تقدیس یا تقبیح «مردم» داغ شود. این نوشته در چارچوب فرمی قطعه‌وار، می‌کوشد به اختصار



نکاتی را در این مورد یادآوری کند.

یک. «مردم» در معنای جدید آن با سیاست مدرن گره خورده است. چنان که نظریه پردازان سیاسی استدلال می کنند، بخش مهمی از منازعه در سیاست مدرن بر سر بازنمایی مفهوم «مردم» بوده است. دولت ها و احزاب و گروه های سیاسی مختلف از راست تا چپ، خود را به روایتی از مفهوم مردم متصل می سازند. این مردم یا همان کسانی هستند که ما به نمایندگی از آنان حکومت می کنیم یا کسانی که ما به نمایندگی از آنان مبارزه می کنیم یا کسانی که تبلور خواست آنان هستیم و غیره. به این ترتیب، معنابخشیدن به این «دال تهی»، عنصر بر سازنده سیاست مدرن است.

دو. نمونه های بسیار مشهوری از نقد مردم در دهه های گذشته ثبت شده است؛ از شعر مشهور شاملو^۱ تا واکنش روشن فکran به انبوه جمعیت تشییع کننده مهوش، اما نقد مردم در ایران پیشینه ای طولانی تر دارد و تقریباً هم زاد با پدیدارشدن «مردم» به مثابه سوژه های مدرن سیاست در ایران است. رساله جالب توجه احمد مجدالاسلام کرمانی، «تاریخ انحطاط مجلس»^۲، یکی از نمونه های مهم است. او که از مصلحان زمانه خود و از بازیگران عصر مشروطه خواهی به شمار می آمد، در تحلیل «شکست مشروطه» بر «جهالت» و «خودمحوری» مردم مشروطه خواه تأکید می گذارد. این رساله، صرفاً یکی از نمونه هایی است که نشان می دهند «نقد مردم» در ایران قدمتی به اندازه خود «مردم» دارد.

سه. در ایران کاربرد مفهوم «مردم» به عنوان اسم مستعار خواسته های

۱. «با چشم ها ز حیرت این صبح نابجای / خشکیده بر دریچه خورشید چارتاق / بر تارک سپیده این روز پا به زای / آزاد کردم از زنجیرهای خواب / فریاد برکشیدم: اینک چراغ معجزه، مردم ...»

۲. مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱) تاریخ انحطاط مجلس، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.



افراد و گروه‌ها، رایج شده است. وقتی یکی از جامعه‌شناسان در برنامه‌ای تلویزیونی از «خودمداری» مردم در ماجرای پلاسکو سخن گفت، برخی نویسندگان به این تحلیل حمله و از «مردم» دفاع کردند. می‌توان حدس زد که مثلاً اگر حاضران در اطراف ساختمان فروریخته پلاسکو، شعارهای سیاسی نامطلوب از منظر آن دسته از نویسندگان سر می‌دادند آنان دیگر «مردم» نبودند، بلکه ذیل القابی چون آشوب‌گر یا فرصت‌طلب، از جرگه «مردم» خارج می‌شدند. این برخورد به هیچ رو به این یا آن محفل سیاسی منحصر نمی‌شود، بلکه طیف‌های وسیعی از جریان‌های سیاسی و حتی روشنفکری ایران در مواجهه با «مردم» از همین الگو تبعیت می‌کنند.

چهار. برخلاف مدعای برخی محافل فکری و سیاسی در ایران، نقد مردم پدیده‌ای نیست که «خارج‌نشینان» یا «روشن‌فکران متفرعن داخلی» باب کرده باشند. مهم‌ترین منتقدان «مردم»، خود مردم هستند. همه ما در کوچه و خیابان و در تاکسی و مترو با این عبارات مواجه می‌شویم که: مقصر مردم هستند یا مقصر «ما مردم» هستیم. گویی همه احساس می‌کنند که چرخ امور، آن‌چنان‌که باید نمی‌چرخد و خود را در آن سهم می‌دانند. استقبال از کتاب‌هایی که در نقد فرهنگ و اخلاق و خلیقات ایرانیان نگاشته می‌شوند، وجهی از همین مسئله است. در همین ماجرای پلاسکو نیز «مردم»، خود منتقد مردم بودند. حجم زیادی از نقدهای فضای مجازی و بحث‌های فضای واقعی، به نقد مردم اختصاص یافت. طبعاً، منتقدان خود بخشی از همین مردم هستند.

پنج. تحریک و برانگیختن مردم، مبنای «پوپولیسم» به‌شمار می‌آید، اما «برساخت پوپولیستی مردم» فقط به عرصه سیاست محدود نمی‌شود. شکلی از این برخورد را در میان هنرمندان و ورزشکاران ایرانی نیز می‌توان یافت. آنان، همواره انگیزه و علت وجودی و مبنای



مشروعیت فعالیت‌های‌شان را به «مردم» نسبت می‌دهند، اما اگر فردی یا افرادی از همین مردم، به نقد ایشان برخیزند، آن‌گاه منتقدان یا معترضان به اشکال مختلف و با برچسب‌های متنوع - بی‌اطلاع، فاقد تخصص، ناآگاه، تماشاگر، مغرض، تحریک‌شده توسط این و آن - از جرگه «مردم» خارج و صلاحیت نقد و اعتراض از ایشان سلب می‌شود. گاه نیز چه در سیاست و چه در حیطه‌های دیگر، «مردم» همان توده‌های بی‌نام و نشانی هستند که صلاحیت و عظمت ما را تأیید می‌کنند. آنان را بزرگ می‌داریم تا بزرگ‌منشی خویش را نشان دهیم. گذشته از مصادیق بارز سیاسی، کتاب «این مردم نازنین» نوشته رضا کیانیان، نمونه خوبی از این برخورد پوپولیستی و از بالا و سرشار از خودشیفتگی با مقوله سیال و لغزان مردم است.

شش. رویکرد نظری دیگری که مفهوم مردم در آن برجسته می‌شود و در ایران هوادارانی دارد، «چپ‌نو» است. در این رویکرد، «مردم سوژه جمعی یک فرآیند سیاسی است که به شکل پرفورمیتیو ساخته می‌شود»^۱. این تعبیر مبنای نقد مراد فرهادپور بر سخنان یوسف اباذری درباره مرگ پاشایی قرار گرفته است. فرهادپور، اباذری را به دلیل «برداشت جامعه‌شناختی از مردم» نقد می‌کند. در این نگاه، مردم برپایه خواستی سیاسی در پیوند با یک رخداد، موجودیت می‌یابند و به این ترتیب جماعتی که در اطراف پلاسکو راه آمبولانس‌ها را بند آورده بودند، اصلاً «مردم» محسوب نمی‌شوند که نقد رفتار آنان را نقد «مردم» تلقی کنیم. این تحلیل، البته مبتنی بر نگاه رو به پس (روایت رویدادهای دیروز از منظر علایق امروز) و مستعد برداشت سلیقه‌ای از مردم است: این ملاک‌ها و ارزش‌های ماست که تعیین می‌کند، آیا جمعیتی که گرد فلان خواست، جمع شده‌اند «مردم» هستند یا خیر؟ مثلاً آیا جمعیت عظیمی که در مراسم تشییع رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت شرکت

۱. فرهادپور، مراد (۱۳۹۳) گفتگو با نشریه ایران فردا، دور جدید، شماره ۹، بهمن ۱۳۹۳.



کردند «مردم» بودند یا نه؟

هفت. به‌رغم آن‌که رویکرد اخیر «دید جامعه‌شناختی» از مردم را بیپه‌وده می‌داند، اما در یک نکته با آن توافق نظر دارد. در سنت‌هایی از جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز مفهوم مردم، همچون کلیتی یک‌دست مردود شمرده می‌شود. اما برخلاف رویکرد پیشین که بیشتر به آن مکانیزم سیاسی نظر دارد که جمعیت را به «مردم» بدل می‌سازد، این‌جا به هر حال «مردم» ابژه مطالعه و آنالیز است. به یک معنا در جامعه‌ای چون ایران اگر نه هرگز، لاقلاً به‌سادگی نمی‌توان از «مردم» به سان کلیتی یک‌دست سخن گفت. در واقع، به جای «مردم» با «مردم‌ها» روبرو هستیم. گروه‌ها و طبقات و اقشار و جماعت‌های مختلف – و گاه سیال و مقطعی – که خواست‌ها و مطالبات مختلف، آنان را گرد هم می‌آورد. آنان جز در مواردی نادر، ذهنیت و کنش یکسانی ندارند و حتی آن‌جا که توده عظیمی از «مردم» جمع می‌شوند، نمی‌توان به‌سادگی خواست و انگیزه یکسانی را به آنان نسبت داد.

هشت. به حادثه پلاسکو بازگردیم. کمی پیش از این حادثه، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درگذشت و شماری میلیونی از مردم در مراسم تشییع او حاضر شدند. ظاهراً این حضور چنان خیره‌کننده بود که محافل سیاسی مختلف برای مصادره آن و تحمیل معناهای مورد نظر خویش بر این حضور گسترده تلاش کردند. برخی نخبگان سیاسی، رفتار و مدارای مردم با یکدیگر را در این مراسم با «استانداردهای سویس» برابر دانستند. چند روز بعد، رفتار مردم در واقعه پلاسکو، دست‌مایه نقدهای خشمگینانه شد. به راستی در این فاصله چه اتفاقی افتاده بود؟ آیا تفسیرها از ماجرای قبلی نادرست بودند؟ یا این مردم همان مردم چند روز پیش نبودند؟ یا مردم در موقعیت‌های مختلف به اشکال مختلف رفتار می‌کنند؟ و یا ...

مسئله، دفاع از رفتار مردم نیست. روشن است که رفتارهایی از نوع



فحاشی دسته‌جمعی و گسترده در فضای مجازی یا واقعی، تماشای مراسم اعدام در سحرگاهان در حال تخمه‌شکستن و یا سلفی‌گرفتن دیوانه‌وار در هر مراسم و مناسکی، سزاوار نقد تند و بی‌پرده هستند. فرصت‌طلبی و خودمحوری برخی یا بسیاری از «مردم» در زندگی اجتماعی نیز انکارناپذیر است. یافتن زمینه‌ها یا توجیه چنین رفتارهایی نیز - مثلاً این‌که مردم آموزش ندیده‌اند یا به‌دلایلی ناگزیر به چنین رفتارهایی کشیده می‌شوند و نظایر آن - اگر ساده‌انگاری نباشد، اصل مسئله را هم تغییر نخواهد داد.

نه. نقد مردم، ضروری و مهم و حتی اجتناب‌ناپذیر است، اما نمی‌توان هر زمان که مردم مطابق میل ما رفتار کردند، آنان را ستایش کرد و هر موقع که کنش‌هایشان انتظار ما را برآورده نساخت، ناگهان آنان را به باد انتقاد گرفت. مهم‌تر از هر چیز نوع تحلیل ماست: مردم را چگونه تعریف و رفتارشان را چگونه تحلیل می‌کنیم. از چه موضعی آنان را نقد می‌کنیم و اصلاً خود ما در کجا ایستاده‌ایم؟ سهم دولت و ملت در نقد ما به چه میزان است؟ و این‌که در هر نمونه خاص باید این سهم را بازخوانی کنیم. باید به یاد داشته باشیم که دولت و ملت، آن قدرها هم مجزا و منفصل از یکدیگر نیستند. دولت، هم‌زمان «جزئی از جامعه و جدای از جامعه» است^۱، اما طبعاً این بدان معنا نیست که مسئولیت این دو برابر است. به عنوان نتیجه‌ای انضمامی‌تر از این بحث و این‌که چگونه دولت و ملت - که هیچ‌کدام در ایران امروز یک‌دست و همگن نیستند - به هم مرتبط می‌شوند، می‌توان بر مسائل مهم امروز ما دست گذاشت. ساختمان‌های آسیب‌پذیر و غیراستاندارد و بحران محیط زیست و معضل رفتارهای ترافیکی، سه مصداق متفاوت از این مسائل هستند. حل کردن نسبی هر سه موضوع،

۱. میگدال، جوئل (۱۳۹۵) دولت و جامعه، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر : ص ۳۵۶.



به آمادگی دولت و ملت برای پرداخت هزینه آن‌ها بستگی دارد. سهم دولت (به معنای کل هیئت حاکمه) در پدیدآوردن این مسائل بیشتر است و طبعاً در حل آن‌ها نیز مسئولیت دولت، فزون‌تر می‌شود، اما مردم نیز باید سهم خویش را از هزینه حل این مسائل بپردازند. در هر کدام از این نمونه‌ها، هر راه حل بنیادی و مؤثر، سختی‌ها و تنگنانهایی را هم بر مردم تحمیل می‌کند. مثلاً گفته می‌شود که بخشی از راه‌کار حل معضل خشک‌شدن دریاچه ارومیه، کاهش سطح زیر کشت حوزه این دریاچه است که به معنای بیکارشدن بخشی از کشاورزان خواهد بود (که همین حالا نیز مشکلات فراوانی دارند). در دو نمونه دیگر نیز هر نوع برنامه‌ریزی کارآمد، لاجرم مشکلاتی را هم در پی خواهد داشت که مردم باید با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کنند. آیا مردم در لحظه فعلی، آمادگی پرداخت چنین هزینه‌هایی را دارند؟ به نظر نمی‌رسد. راه حل چیست؟ ممکن است پاسخ، نقد مردم یا آموزش آنان باشد، چنان‌که در موضوع پلاسکو بارها گفته شد، اما واقعیت این است که عوامل مهم‌تری دخیل هستند. برخلاف مضمون برخی نوشته‌های انتقادی درباره حادثه پلاسکو، اصلاً مسئله این نیست که ملت از دولت عقب‌تر است یا برعکس^۱؛ مسئله این است که مردم در بسیاری موارد، خود را ناتوان از تغییر موقعیت می‌دانند، مثلاً مردم در توان خویش نمی‌بینند که خانه‌هایشان را از روی گسل‌های شهر تهران به جای دیگری منتقل کنند. نکته کلیدی این است که دولت هم راه حل جامعی برای حل این مشکلات ندارد. اصلاً دولت (در همان برداشتی که پیش‌تر گفته شد) یک‌دست نیست، حال آن‌که حل مشکلات مختلف کشور - صرف‌نظر از آن‌که برای برخی مشکلات، ممکن است حتی در افق دراز مدت هم راه حلی متصور نباشد - نیازمند بسیج منابع عمومی کشور توسط

۱. نگاه کنید به نوشته محمدرضا نیکفر، «دولت ضعیف، ملت قوی - نمونه پلاسکو»، این مقاله که بر مبنای ایده مسئول‌بودن مردم در قبال حادثه پلاسکو در فضای مجازی منتشر شد، نقدها و واکنش‌هایی را برانگیخت.



ساخت سیاسی و همراهی و همگامی بخش‌های مختلف هیئت حاکمه و درکنار آن، وجود دولتی چالاک و کارآمد است. در ماجرای پلاسکو یا مثلاً مسئله فساد اقتصادی و در تقریباً در هر مسئله مهم دیگری، بخش‌های مختلف ساخت سیاسی، بیشتر دل‌مشغول مچ‌گیری از یکدیگر و بدنام کردن رقیب هستند تا حل مسئله. سرمایه اجتماعی این نهادها نیز نزد مردم چندان بالا نیست و بنابراین حتی اگر خط‌مشی جامعی نیز برای حل مسائل ارائه شود، ترغیب مردم به مشارکت در آن‌ها دشوار خواهد بود. گذشته از آن‌که امروز دولت‌ها در جوامع غربی، صرفاً به واسطه آموزش یا جلب اعتماد عمومی نیست که شهروندان را به ایفای وظایف شهروندی‌شان وامی‌دارند، بلکه انواع تکنیک‌های حکومت‌مندی و تکنولوژی‌های شهروندی در این میانه دخیل هستند؛ تکنیک‌ها و تکنولوژی‌هایی که متفکران رادیکال به انتقاد از آن‌ها و افشاگری علیه آن‌ها می‌پردازند، اما در اعمال انضباط اجتماعی موثر هستند.

به این ترتیب، نقد مردم یا دفاع از آنان، هیچ‌کدام از حیث راه‌گشایی برای برون‌شدن از بحران‌های متعدد جامعه ایرانی، ارزش تحلیلی چندان‌ی ندارند، مگر آن‌که در نسبت با به یک وضعیت معین و واقعیت عینی، صورت‌بندی و توجیه شوند، یعنی همان چیزی که در نوشته‌های بی‌شمار درباره پلاسکو، کم‌تر به چشم می‌آید.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
فصلنامه علمی و پژوهشی